

نگاهی دیگر به «هشتمین جشنواره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس»

نصرت‌الله صمدزاده

مقدمه

«انتخاب سالانه بهترین کتاب‌ها» در موضوع‌های مختلف و در جشنواره‌های گوناگون بستری را فراهم می‌سازد تا طی فرایند کارشناسی و داوری صحیح، از میان شمار کثیر کتاب‌های چاپ‌شده در هر موضوع، آثاری برجسته و معرفی شود که اولاً «کتاب‌های مناسب و برتر» را در هر موضوع و در دوره‌های معین زمانی، در اختیار کتابخوانان و پژوهشگران قرار دهد؛ ثانیاً ملاک و معیارهای درست نگارش و پژوهش را، به تبع شرایط زمان و گذر ایام و حوادث تبیین و در اختیار بگذارد؛ ثالثاً با معرفی برترین‌ها و اهدای جوایز به نویسندگان و ناشران این کتابها، آن‌ها را تشویق به عرضه آثاری کند که درخور موضوع و مخاطب باشد تا در طول دوره‌های مختلف و محک زمان به خلق آثاری ماندگار و شایسته بیانجامد. صرف‌نظر از خصوصی یا دولتی‌بودن این کار، انجام نادرست این فعالیت‌ها نه تنها حاصلی در رسیدن به مقصود موردنظر ندارد، بلکه تبعات منفی فراوانی دارد.

اما فواید فراوانی در جوانب اجرای درست این کار نهفته است که در این مجال اندک امکان نوشتن و بازگفتن تمامی آن‌ها نیست و به همین قدر بسنده می‌شود که در هر کتابخانه و کتابفروشی، مابه‌ازای هر کتابخوان و مراجعه‌کننده و پژوهشگری که به دنبال جستجوی آثار مناسب یک موضوع، علی‌الخصوص موضوعات فرهنگی هستند (مثل خانواده‌ها، متولیان مدارس، دانشجویان، فرهنگیان و ...) داوری و کارشناسی این‌گونه جشنواره‌ها گزینه اول هر کتابدار و کتابفروش می‌تواند باشد.

یکی از فعالیت‌های «کتابخانه جنگ دفتر ادبیات و هنر مقاومت» جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جشنواره‌ها در مقوله جنگ و دفاع مقدس است. در این فعالیت کارآیی علمی این جشنواره‌ها در امور اطلاع‌رسانی بررسی می‌شود. نقد اجمالی عملکرد «هشتمین جشنواره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس» در طول همین برنامه‌ها قرار دارد.

مراسم «هشتمین جشنواره انتخاب کتاب دفاع مقدس» که اختصاص به کتاب‌های منتشر شده در سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ دارد، در مورخه سی‌ام شهریور ۱۳۸۳ برگزار گردید. در این مراسم ضمن اهدای جوایز، جزوه‌ای در اهداف جشنواره، بیانیه‌ها و آرای هیئت داوران گروه‌های مختلف (کمیته‌ها)، عناوین و مشخصات کتابشناختی آثار برگزیده و اطلاعات آماری هفت دوره پیشین جشنواره آمده است. آنچه در این نوشته مورد استناد واقع می‌شود همین جزوه است، که در ۱۴ صفحه منتشر شده است.

این نوشته درصدد نیست که در حیطه نقد ملاک‌ها و تشخیص‌های هیئت محترم داوران داخل شود و نحوه انتخاب‌های آنان را ارزیابی کند، که این کار نیاز به مجال وسیع‌تر و ورود محققانه‌تر به موضوع دارد بلکه درصدد نقد عملکرد جشنواره در حیطه امور کتابداری و اطلاع‌رسانی و تناقض‌های به‌وجود آمده با اهداف خود جشنواره است.

نگاه کلی و آماری به آثار بررسی شده در دوره‌های پیشین این جشنواره، عناوین گروه‌ها (کمیته‌ها) و زیرگروه‌های موضوعی آن، نحوه گردآوری آثار، تفکیک کتاب‌ها در گروه‌های مختلف، پدیدآورندگان آثار، تقدیرها و رتبه‌ها و ... موارد عمده‌ای هستند که در این مجال بررسی می‌شود تا این سئوالها جواب داده شود که: آیا این جشنواره و تبعات آن می‌تواند در فرایند اطلاع‌رسانی آثار منتشره دفاع مقدس تأثیر بگذارد؟ و آیا این تأثیر مثبت است؟ و بالاخره اینکه پس از گذشت ۲۴ سال از آغاز جنگ و حدود ۱۶ سال از پایان جنگ، در گردآوری، سازماندهی، معرفی و انتخاب آثار دفاع مقدس چه نمره‌ای به این جشنواره می‌توانیم بدهیم؟

در تهیه متن حاضر از مطالب فراهم‌شده همکار گرامی خانم نرگس کرمی بهره‌ها برده شده که از زحمات ایشان تشکر و قدردانی می‌شود.

نگاه کلی و آماری

علی‌القاعده و مطابق اهداف اولیه این جشنواره - جمع‌آوری تمامی آثار در موضوع «جنگ ایران و عراق» و «دفاع مقدس» - بایستی مجموع آثار بررسی شده در تمامی دوره‌های این جشنواره، از ابتدای نشر (۱۳۵۹) تا زمان پایانی جشنواره هشتم (۱۳۸۲)، کل آثار منتشره دفاع مقدس را در این دوره زمانی نشان دهد. اما این رقم که مطابق آمار خود جشنواره ۲۵۳۶ عنوان کتاب است، نصف آثار منتشره این موضوع را شامل می‌شود. پس در نگاه اولیه و کلی و بدون بررسی عملکرد جشنواره، به نظر می‌رسد این جشنواره در رسیدن به اولین و اصلی‌ترین هدف اعلام‌شده خود یعنی «شناسایی، گردآوری، بررسی و ارزشیابی کتب منتشره در زمینه دفاع مقدس» از لحاظ جامعیت و تعداد ناکام می‌ماند و آن‌چه بر این پایه بنا می‌شود، در صورت عملکرد صحیح و کامل، به ۵۰ درصد آثار پرداخته و فقط ۵۰ درصد امر کارشناسی و اطلاع‌رسانی حاصل شده است.

جمع‌آوری آثار

مطابق بیانیه پایانی جشنواره هشتم، «در این دوره از مجموع ۶۳۹ عنوان کتاب رسیده به دبیرخانه، ۳۸۲ عنوان کتاب واجد شرایط بررسی شناخته شده و در هشت کمیته داوری گردیدند».

اولاً فهرست این کتاب‌ها، در هر دو رقم اعلام‌شده در اختیار نگارنده است و سال نشر کتاب‌های معرفی شده در اختلاف ۲ فهرست (۲۵۷ عنوان کتاب) همگی ۸۱ و ۸۲ است. این سؤال به‌وجود می‌آید چگونه قبل از فرایند داوری، ۲۵۷ عنوان کتاب که تقریباً همگی در موضوع دفاع مقدس هستند، کنار گذاشته شده است؟

با نگاهی به این فهرست (۲۵۷ عنوان کتاب) در می‌یابیم که بسیاری از کتاب‌ها تکراری ثبت شده است، مثلاً کتاب «روایت عشق (دفتر دوم)» و نیز «جاودانه‌های عشق» هر کدام سه بار ثبت شده‌اند و به رقم فهرست افزوده‌اند، که شاید حدود یک چهارم آن این‌گونه است. همچنین بسیاری از کتاب‌ها، علی‌رغم آن‌که در این فهرست ۸۱ و ۸۲ ثبت شده‌اند دارای سال نشرهای قدیم‌تر مثل ۷۹ و ۸۰ هستند. مثل «آقای شهردار» (۱۳۷۹)، «ای کاش همه مثل پدرم بودند» (۱۳۸۰)، «پرسش‌های اساسی جنگ» (۱۳۸۰)، «پروانه در چراغانی» (۱۳۷۹)، «شهید چمران» (۱۳۷۹) و ... و بالاخره اینکه تعدادی از کتاب‌ها (حدود یک سوم آثار)، به‌درستی دارای سال نشر ۸۱ و ۸۲ هستند که ظاهراً از گردونه داوری کنار گذاشته شده‌اند.

ثانیاً مطابق فهرست کتاب‌های منتشره سالهای ۸۱ و ۸۲، مأخوذه از «کتابخانه جنگ»، حدود ۲۰۰ عنوان کتاب موضوع «جنگ ایران و عراق» در هیچکدام از این فهرست‌های جشنواره (حتی کتابهای مثلاً رسیده آن) موجود نیست. مجموعه آثاری که از لحاظ تعداد و محتوا قابل ملاحظه هستند.

بنابراین حدوداً دو برابر تعداد کتاب‌های داوری شده جشنواره (یعنی دو برابر تعداد ۳۸۲ عنوان)، در این دو سال و در زمینه دفاع مقدس، کتاب به چاپ رسیده (چاپ اول) که نصف آن در داوری جشنواره به حساب آمده است.

رسیدن به جواب برخی سئوالات فقط از بررسی مکتوبات حاصل نمی‌شود بلکه همنشینی ارباب معرفت نکات عجیبی را در منظر چشمان ما قرار می‌دهد. این که نگارنده چرا به رقم مابه‌التفاوت «کتاب‌های رسیده» (۶۳۹ عنوان) و کتاب‌های داوری شده (۳۸۲ عنوان) آنقدر اهمیت قائل است، دلایل متعددی دارد که گزارش گزارشگر کتاب هفته از مراسم هفتمین جشنواره، مبین بخشی از آن است:

«هیئت داوران خبر از جمع‌آوری بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب می‌دهد که ۱۷۶ تای آن‌ها داوری شده‌اند. این آمار و ارقام برایم جالب است. کتابخانه تخصصی جنگ ... کتابهای مرتبط با دفاع مقدس، منتشره در سال ۱۳۸۰ را بیش از ۳۰۰ عنوان اعلام کرده است. علی‌رضا بکایی، معاون ادبیات و انتشارات بنیاد نیز در همان زمان اعلام کرده بود که ۱۶۷ عنوان کتاب توسط داوران جشنواره به محک قضاوت کشیده شده است. من که تا آخرین روز این اختلاف نظر را دنبال کرده‌ام برایم جالب است که آمار این‌چنینی را بشنوم. من که با همه مسئولان صحبت کرده‌ام هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است که آمار ۲۱۰ کتاب تهیه شده توسط دفتر جشنواره [یعنی تعداد کتابهای رسیده در اعلام رسمی جشنواره هفتم پس از روند داوری!] به رقم ۳۰۵ [در بیانیه!] صعود پیدا کند.»^(۱)

جبران عملکرد ضعیف یک دستگاه با افزایش آمار و ارقام، به هر قیمتی؟! چرا؟ شاید همه این‌ها ساخته شده تا سئوالهایی مثل «چرا در جشنواره هفتم آثار «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» حضور نداشت و کتاب‌هایی مثل «نام‌آورد» چشمان داوران را نوازش نداد؟» بی‌پاسخ نباشد.

مطابق اطلاع نگارنده و موارد اعلام شده توسط خود جشنواره، تهیه منابع در این جشنواره بر مبنای فعالیت‌های ذیل صورت می‌پذیرد: ۱- فراخوان، از طریق مطبوعات و صداوسیما ۲- درخواست کتبی از ناشران عمده شناخته شده آثار جنگ ۳- اخذ فهرست‌های مختلف از «خانه کتاب» و برخی کتابخانه‌ها و اشخاص.

در مورد کتاب‌های تهیه‌شده و فرستاده شده، اطلاعات از خود کتاب‌ها اخذ می‌شود، که مع‌الاسف همین اطلاعات مأخوذه در بسیاری موارد غلط است و جشنواره ناتوان از درج صحیح عنوان کتاب، نام ناشر، صفحه‌شمار، موضوعات کتاب‌ها و غیره است که خبر از در اختیار نداشتن کتابداران و فهرست‌برداران خبره می‌دهد. در مورد فهرست‌های مأخوذه از خانه کتاب، از آن‌جا که این بانک اطلاعات، تاریخ ورود کتابها به آن مرکز را به‌عنوان سال نشر آنها ثبت می‌کند، در برخی موارد، همچون ماههای ابتدایی سال، تاریخ ثبت کتابها با سال نشر مندرج در آنها متفاوت است که یکی از ایرادات این بانک اطلاعاتی است. این جشنواره محترم این فهرست‌ها را با عنوان «کتاب‌های رسیده» معرفی می‌کند که سال نشر بسیاری از آن‌ها، با سال نشر خود کتابها متفاوت است. بدین خاطر توضیح اینکه چرا بسیاری از همین «کتاب‌های رسیده!» و دارای سال نشر درست ۸۱ و ۸۲، در داوری کنار گذاشته می‌شوند؟ آن است که چنین کتاب‌هایی برای جشنواره فقط در فهرست‌ها موجود است و خود کتابها موجود نیست.

نگارنده طی مکاتبات مختلف با مجریان جشنواره و درج یادداشت‌هایی در نشریات اطلاع‌رسانی چون کتاب هفته^(۲) متذکر شده است که تهیه منابع راه‌های متنوع و گوناگون علمی، فنی و تجربی دارد که فراخوان تنها بخشی از آن است و مابقی در گرو فعالیتهای کتابخانه‌های تخصصی است که در صورت تعامل هر جشنواره‌ای با این کتابخانه‌ها و حمایت از برنامه‌های آنها، این جشنواره‌ها دیگر ناچار از پرداخت چنین هزینه‌های سنگین نیستند.

شایان ذکر است که در صورت عملکرد مناسب جشنواره‌ای مثل «انتخاب کتاب دفاع مقدس» در مرحله جمع‌آوری آثار و وجود دانش اطلاع‌رسانی در متولیان این جشنواره، طرحهای فراوانی برای معرفی کتاب‌های مناسب وجود دارد که یکی از آنها «کارنامه نشر» سالانه (با مشخصات ویژه) برای عرصه «دفاع مقدس» است که می‌تواند در هیئت کتاب مرجع مناسب و یا در درون لوح فشرده، هر سال در اختیار مخاطبان قرار گیرد. از آمال و آرزوهای نگارنده توجه متولیان این امور به این‌گونه مسائل اطلاع‌رسانی است که متأسفانه با تداوم حضور هر ساله افکار فاقد صلاحیت در امور اجرایی و عدم رجوع و ارجاع کار به نیروهای خبره، فعلاً انجام‌نشده‌ی به نظر می‌رسد.

سال نشر آثار

مطابق اصول کتابداری و اطلاع‌رسانی، چاپ‌های مجدد کتاب چنانچه ویرایش محتوایی نداشته باشند، فقط به شمارگان (تیراژ) آنها می‌افزایند و ملاک سال اول نشر برای همیشه در پیشانی کتاب، به عنوان سال انتشار باقی می‌ماند در این میان چون اصالت با متن کتاب است، حتی اگر طرح جلد‌ها نیز تغییر کند همین قاعده بر آن مترتب است.

از دیگر اشکالات جشنواره هشتم، داوری کتاب‌هایی است که طی سال‌های پیشین به چاپ رسیده‌اند و چاپ مجدد آنها در سال‌های ۸۱ و ۸۲ صورت گرفته است مع‌الاسف برخی از این کتاب‌ها رتبه نیز کسب کرده‌اند. از آن جمله کتاب «گنجینه آسمانی» است که در سال ۱۳۷۵ اولین بار توسط «کانون فرهنگی هنری ایثارگران» به چاپ رسیده و چاپ مجدد آن توسط نشر ساقی در سال ۱۳۸۱ صورت گرفته است. جالب توجه است که این کتاب در این دوره به عنوان «کتاب برگزیده جشنواره» انتخاب شده است (یعنی اصلی‌ترین رتبه و مقام)، همچنین کتاب «پایه‌پای باران» که در سال ۱۳۶۹ توسط حوزه هنری به چاپ رسیده و در سال ۱۳۸۱ تجدید چاپ شده است که طرح جلد آن در گروه هنر مورد تقدیر قرار گرفته است.

اطلاعات یک جشنواره بایستی آنقدر قوی باشد، که چنانچه در اثر غفلت و ناآگاهی از فرایند صحیح تولید کتاب، ناشری اطلاعات چاپ‌های مجدد را در خود کتاب ذکر نکند جشنواره بتواند آنها را از یکدیگر تمیز دهد، چه رسد به اینکه اینها کتاب‌های مشهوری هستند که اکثر ترتیب‌دهندگان جشنواره خود در روند چاپ و انتشار آنها دست داشته‌اند.

تفکیک موضوعی و تشخیص محتوای آثار

مهمترین دغدغه نگارنده پرداختن به این سؤال است که چرا جشنواره‌ای با اهداف کلان ملی و اهمیت موضوعی که در مراسم اهدای جوایز آن یکی از سران مملکت مثل رئیس جمهور یا رئیس مجلس حضور دارند،

ناتوان از تخصیص گروه‌ها و زیرگروه‌های موضوعی مناسب، تفکیک موضوعی کتاب‌ها و تشخیص محتوای آنهاست. اموری که تغافل در آنها ملاک‌های علمی داوری را نیز زیر سؤال می‌برد. آنهایی که با انواع تفکیک‌های دانش بشری آشنا هستند می‌دانند که چنگونه تفکیک منطقی وجود دارد که مهمترین آنها تفکیک دهنده‌ی است. که در آن تمامی دانش بشری به ده موضوع کلی تقسیم می‌شود و هر موضوع به ده قسمت، الی آخر، گرچه همه این‌ها قراردادی است و عدول از آنها، به شرط علمی و منطقی بودن، به هیچ‌وجه ناپسند نیست.

با نگاهی به تفکیک موضوعی کتاب‌های جشنواره هشتم، در می‌یابیم که هیچ قاعده‌ای مترتب بر آن نیست، آن هم در موضوعی مثل «جنگ» که به اعتقاد نگارنده تقریباً در تمامی ابعاد مختلف دانش بشری امکان تألیف و تحقیق و اثربخشی دارد و به همین خاطر کتاب‌های مختلف در موضوعات ده‌گانه دانش یعنی: «کلیات (فهرست‌ها، کتاب‌شناسیها، دانشنامه‌ها و ...)، فلسفه و روانشناسی، دین، علوم اجتماعی (و سیاست و اقتصاد)، زبان، علوم محض، علوم کاربردی (مهندسی و پزشکی)، هنر، ادبیات، تاریخ و جغرافیا»، درباره جنگ، علی‌الخصوص «جنگ ایران و عراق» به وجود آمده است.

تفکیک گروه‌های موضوعی (کمیته‌ها) در جشنواره هشتم، که کم و بیش در دوره‌های پیشین نیز وجود دارد، در ۸ گروه عبارتست از: تحقیق و پژوهش / خاطره / داستان / شعر / هنر / جنگ و زندگی‌نامه شهید / کودک و نوجوان / دست‌نوشته‌ها و نثر ادبی.

از آنجا که برخی عناوین نارسا هستند با مطالعه محتوایی بیانیه‌های هیئت داوران متوجه می‌شویم که «تحقیق و پژوهش» فقط حوزه‌های «تاریخی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و اطلاع‌رسانی» را شامل می‌شود و پژوهش در مقوله‌های دیگر مثل، داستان، شعر و ... در زیر گروه همان موضوعات بررسی شده است. یا دو زیر گروه «تاریخی» و «نظامی» به صورت جداگانه بررسی شده‌اند و معلوم نیست اولی تاریخ نظامی، سیاسی، اجتماعی و ... تاریخ چه چیزی است و دومی آیا «تاریخ نظامی» است یا مثلاً «ادوات نظامی»؟

نیز قراردادن «جنگ» در کنار «زندگی‌نامه شهید»، و «دست‌نوشته» در کنار «نثر ادبی» خالی از اشکال نیست، هر جنگی زندگی‌نامه و یادنامه شهید نیست، جنگ به مجموعه بیش از یک قالب، مثلاً شعر، حکایت، قطعه ادبی و ... در یک اثر اطلاق می‌شود و می‌تواند مقوله‌ای جداگانه در زیرگروه ادبیات و داوری را تشکیل دهد. همچنین هر «دست‌نوشته‌ای» نثر ادبی نیست چرا که به نوشته‌های خطی برجای مانده از صاحب‌نوشته «دست‌نوشته» اطلاق می‌شود، که می‌تواند خاطره، یادداشت، قطعه‌های ادبی و یا غیره باشد و هنوز اطلاق نام کل به جزء در این قضا با جنبه حکمی و دستوری پیدا نکرده است.

همچنین نمایشنامه و فیلمنامه (با اندکی تسامح) از قالب‌های ادبی و نوشتاری خلاق هستند گرچه متن آنها در هنر تئاتر و سینما استفاده می‌شود لیکن آنچه نوشته می‌شود و چاپ می‌شود (مخصوصاً که اکثر فیلمنامه‌ها بعد از ساخت فیلم منتشر می‌شود) تا خواننده بخواند و در لابلای عباراتی که ساخته و پرداخته ذهن خلاق نویسنده آن است قرار گیرد، دیگر هنر به معنای خاص آن مثل نقاشی، گرافیک، سینما، تئاتر ... نیست، اثری ادبی است.

این جشنواره می‌توانست با نظر داشت اصول ساده کتابداری و اطلاع‌رسانی و متناسب با اصول خود در تفکیک کتابها، گروه‌های زیر را در کار خود لحاظ کند و حتی چنانچه ذیل هر یک از این گروه‌ها هیچ اثری

منتشر نشده بود، جایگاه آنها به شکل نمادین خالی می‌ماند تا نشانگر خواست جشنواره از متولیان فرهنگی و امور نشر برای چاپ اینگونه آثار باشد:

۱- آثار خلاق ادبی (شعر، داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و نثر ادبی). ۲- مستندات و سرگذشت‌نامه‌ها - شرح حال و تراجم (خاطره، یادداشت، سفرنامه، گزارش، نامه، مصاحبه، وصیت‌نامه، زندگینامه‌ها و یادنامه‌ها). ۳- آثار پژوهشی (تاریخ نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آثار فلسفی، روانشناختی، مذهبی، پژوهش ادبی، هنری، اطلاع‌رسانی و...). ۴- آثار گروه سنی «کودک و نوجوان». همچنین چنانچه تمایل به بررسی «ترجمه آثار» و «ادبیات مقاومت ملل» دارد، این موارد نیز می‌تواند گروه‌های مستقلی را تشکیل دهد.

با نگاهی به برخی از آثار انتخابی در هر گروه (کمیته) داوری در می‌یابیم که مشکلات و نارسایی‌ها در فرایند تفکیک موضوعی کتابها و تشخیص محتوای آنها حتی در آثار برگزیده و صاحب‌مقام، نمود ملموس و عینی دارند و این مسئله متأسفانه به اعتبار علمی داوری لطمه زده است.

الف) در گروه «تحقیق و پژوهش» که در بیانیه داوران عنوان آن «پژوهش و اطلاع‌رسانی» آمده و زیرگروه «اطلاع‌رسانی» کتاب «آخرین تلاش‌ها در جنوب» که یکی از مجموعه روزشمارهای چاپ‌شده سپاه است، رتبه اول را کسب کرده است.

«دانش اطلاع‌رسانی» دانش تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل و کاربرد اطلاعات است. محصول این دانش، بروز و ظهور متنوعی دارد که در شکل مکتوب آن، عبارت از کتاب‌شناسی‌ها، فهرست‌ها و نمایه‌هاست. گرچه در نگاه عمومی و کلی، تمامی مکتوبات بشری دربردارنده اطلاعاتی برای خواندن و بهره‌برداری است، لیکن آن فرایندی که بین متقاضی و علوم قرار می‌گیرد و وی را در ایجاد، استفاده و اشاعه دانش توانا می‌سازد و حوزه‌های مختلف آن دانش را برایش آشکار می‌سازد و روشهای جدید برای دستیابی، حفظ و نگهداری و بازیابی اطلاعات را در اختیار وی قرار می‌دهد، «دانش اطلاع‌رسانی» است.

بنابراین کتاب «آخرین تلاش‌ها در جنوب» که روزشمار و سالشمار یک واقعه تاریخی است، مبتنی بر تعریف علم اطلاع‌رسانی نیست و در ذیل تاریخ آن واقعه قابل بررسی و داوری است.

ب) در گروه «زندگی‌نامه و جنگ شهید» و در بخش «روایت شهید» از کتاب «خرمشهر، پایتخت جنگ» که دربردارنده خاطرات، یادداشت‌ها، نامه‌ها و دست‌نوشته‌ها و وصیت‌نامه شهید بهروز مرادی است تقدیر به‌عمل آمده است. اولاً حدود چهارپنجم این کتاب در سال ۱۳۷۰ و توسط «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» منتشر شده است و از لحاظ حجمی و محتوایی به نوعی تجدید چاپ محسوب می‌شود.

ثانیاً با توجه به محتوای کتاب، که بخش عمده آن را خاطرات و یادداشت‌های شهید تشکیل می‌دهد، بایستی در گروه خاطرات بررسی می‌شد و چنانچه به جهت شهیدبودن راوی در این قسمت آمده، پس چگونه یادداشت‌های شهید غنی‌پور با عنوان «سفر جنوب» در گروه خاطرات بررسی شده و مقام دوم نیز کسب کرده است.

ج) در بیانیه پایانی هیئت داوری گروه «خاطرات» آمده است: «در میان این اوراق و دست‌نوشته‌ها [خاطرات!]، همه‌ی اندیشمندان و محققان حوزه علوم انسانی می‌توانند به غور و تفحص بپردازند و دریای دانش خود را از این منابع بکر سیراب سازند! ... هیئت داوران تأکید می‌کند که پرداختن به مباحث نظری و انتشار آثار به عنوان خاطره، به غنای ادبی و تاریخی جنگ هشت ساله می‌افزاید!». «

همچنان که نوشته شد کتاب‌های پژوهشی در حوزه‌های شعر، داستان و نیز خاطره در خود این گروه‌ها بررسی می‌شود که از نظر نگارنده و به دلیل آن که امر پژوهش علی‌الخصوص پژوهش ادبی، فرایندی دیگر دارد و داوری آن از سنخ داوری کتب خلاق شعر، داستان و یا خاطرات نیست، نارواست. با این حال چنین عبارات اغراق‌آمیزی در بیانیه گروه خاطره اشتیاق آنان را در داوری کتابهای پژوهشی و مباحث نظری خاطره‌نویسی نشان می‌دهد. اما ظاهراً این عزم چندان جدی نیست و بیشتر بازی با کلمات است چرا که وجود کتاب «یادمانا» (۱۳۸۱)، که اثر درخور توجهی در حوزه مباحث نظری خاطره‌نویسی است، و کتاب «جنگ و خاطره» (۱۳۸۱)، اثری ارزشمند و دوزبانه، که گامی مهم در خاطره‌نویسی تطبیقی دفاع مقدس و جنگهای دیگر (در اینجا «جنگ جهانی اول») به شمار می‌رود و حاصل کار سه مرکز پژوهشی و دانشگاهی است، در فهرست کتابهای داوری شده و نادیده‌گرفتن و کنار گذاشتن آنها توسط هیئت داوران جشنواره، سؤال برانگیز است، در حالی که در مباحث نظری و پژوهش خاطرات هیچ کتابی معرفی نشده و در بیانیه هیئت داوری، علی‌رغم تأکید اولیه آنها، این مقوله به حساب نیامده است.

به هر صورت در میان آثار انتخابی این گروه نگاهی به کتاب «شجاعان نبرد» می‌کنیم که مورد تقدیر واقع شده است. این کتاب گزارش نبرد فتح‌المبین از زبان یکی از امرای ارتش است که در آن نظامی‌وار، دیده‌ها و شنیده‌های خود را از واقعه‌ای نظامی و بر پایه اسناد و مدارک و مکاتبات، همچون یک گزارش به مافوق بیان کرده است. این گونه آثار که ما را در رسیدن به تاریخ شفاهی عملیات‌ها و جنگ تحمیلی رهنمون می‌سازند بی‌گمان ارزش فراوانی دارند و بدین نیت و قصد باید سراغ تمامی فرماندهان رفت و خاطرات آن‌ها را اخذ کرد. اما آن چه در این اثر دیده نشده همان مؤلفه‌هایی است که یک اثر را تبدیل به «خاطرات» خواندنی و تأثیرگذار می‌کند خاطراتی که در آن نویسنده معرفی می‌شود، پیشینه‌اش، زندگی قبل و بعد جنگش، زندگی خصوصی و دغدغه‌های فردی و خانواده، مناسبات اجتماعی، مناسبات فرمانده و زیردستان و سربازان و هزاران نکته دیگر، که می‌تواند در زندگی یک فرمانده ارتش حضور داشته و متن خاطرات وی را به عنوان متن خواندنی در اختیار عموم مردم قرار دهد (نه فقط نظامیان و تاریخ‌نویسان). به‌زعم نگارنده، جملات نانوشته در لابه‌لای سطور این کتاب، چندین برابر حجم منتشرشده آن است و هنوز جایگاه خاطرات شخصی امرای ارتش در میان خاطرات خالی است.

با این حساب از آن جا که این کتاب فاقد مؤلفه‌های خاطره‌نویسی است چگونه هیئت داوران آن را اولاً در گروه خاطرات بررسی، ثانیاً تقدیر کرده‌اند، آن چه این کتاب را شایسته تقدیر می‌سازد مسائل نظامی مطرح‌شده در آن است که بایستی در گروه «تاریخ نظامی» بررسی و احصا شود. تشخیص این که یک کتاب، حتی اگر عنوان خاطره به خود بگیرد و نقل شفاهی باشد در چه مقوله‌ای می‌گنجد کاری علمی و فنی است که متأسفانه این جشنواره ناتوان از آن بوده است.

د) در گروه «داستان» بخشی با عنوان «زندگی‌نامه داستانی» وجود دارد که یک عنوان کتاب نیز در آن مقام نخست را کسب کرده است. این در حالی است که «زندگی‌نامه‌ها» در گروه دیگری نیز بررسی شده‌اند و برای نگارنده این سؤال به‌وجود آمد که چرا کتاب «در کمین گل سرخ» که «زندگی‌نامه داستانی» شهید صیادشیرازی است در گروه دیگری به نام «زندگی‌نامه و جنگ شهید» بررسی شده و مقام اول را کسب کرده است. با مراجعه به اسامی هیئت داوران متوجه شدم نویسنده کتاب فوق در هیئت داوری گروه «داستان» و نیز رئیس این گروه است.

اخلاق داوری، آن هم در جشنواره‌ای که سنگ ارزش‌ها را بر سینه می‌زند، ما را ملزم می‌کند چنانچه آثاری از خود در هیئت داوری وجود دارد، کنار گذاشته شود و یا خود از هیئت داوری کنار برویم، نه این که با رندی و به هر قیمتی، حتی به قیمت زیر سؤال بردن اساس کار جشنواره، آن را در گروه دیگر جاگزین کنیم. این اثر که در نوع خود بسیار ارزشمند است و مؤلف زحمات زیادی برای آن کشیده است می‌توانست به گونه‌ای دیگر و بدون رتبه‌بندی و اهدای جایزه در بیانیه اصلی جشنواره و در فهرست آثار برتر فقط معرفی شود. شایان ذکر است که نگارنده قائل به مقام‌دهی و رتبه‌بندی در چنین جشنواره‌هایی نیست و به معرفی آثار برتر، به طریقی خاص، معتقد است.

ه) اما مبنای کار هیئت داوری شعر بیشتر از دیگران شگفتی‌ساز شد. اولاً نگارنده همچنان اعتقاد دارد که فرایند داوری پژوهش ادبی، که شامل پژوهش شعر نیز می‌شود، با داوری مجموعه اشعار بسیار متفاوت است و از دو مقوله‌ای جداگانه هستند و بایستی داوری پژوهش ادبی خود گروهی مستقل را تشکیل دهد. با این لحاظ دو کتاب ارزشمند «حماسه‌های همیشه» و «دستی بر آتش» در جایگاه خود امکان داوری پیدا نکرده‌اند. ثانیاً آوردن عبارت «تلاش در ارائه پژوهش و تحقیق نسبتاً جامع و علمی در زمینه شعر و دفاع مقدس» برای کتاب «حماسه‌های همیشه» در بیانیه هیئت داوری قابل تأمل است. این کتاب مجموعه تذکره شاعران و نمونه‌های انتخابی شعر آنان است و این عبارت هیئت داوران برای مقوله تذکره‌نویسی و گزینه شعر تعجب‌برانگیز است. ثالثاً علاوه بر مسائل فنی و موضوعی که در بررسی شعرها ملاک داوری قرار می‌گیرد و ورود به آن در صلاحیت نگارنده نیست، لیکن ابتدایی‌ترین ملاک انتخاب یک کتاب شعر، اول بار چاپ شدن آن‌ها (علی‌الخصوص اشعار قدیمی) در هیئت کتاب و یا روزآمد بودن تاریخ سرودن اشعار است که به‌نوعی امکان بررسی دوره‌های شعری را فراهم می‌سازد و گرنه به قول آن استاد نقل از کاغذ به کاغذ و کتابسازی است. بنابراین تقدیر ویژه کتاب «سیرنگ» که مجموعه اشعار قدیمی استاد مشفق کاشانی است و بارها و بارها در آثار دیگر ایشان به چاپ رسیده محل تأمل است. رابعاً چنانکه گفته آمد گردآوری و گزینه‌سازی اشعار شاعران مختلف در یک مجموعه که به نوعی شعرهای آن بارها در مجموعه‌های مختلف به چاپ رسیده، و ویژگی خاص دیگری ندارد دارای اهمیت چندانی نیست، بدین سبب انتخاب کتاب «غابه النخیل» جای سؤال دارد. و اگر این کتاب به خاطر ترجمه مورد تقدیر ویژه قرار گرفته، بیشتر تعجب‌برانگیز است چرا که مگر جایگاه بررسی ترجمه متون در هیئت داوری شعر است؟ و یا از اهداف و تخصص این هیئت ترجمه متون است؟

اگر این جشنواره بنا دارد که ترجمه‌ها را هم بررسی کند می‌تواند «گروه ترجمه» داشته باشد و ترجمه آثار، از فارسی به زبان‌های دیگر و بالعکس، را مورد توجه قرار دهد. فرایند ترجمه، خلق اثر نیست و مترجم، پدیدآورنده کتاب محسوب نمی‌شود. چنانچه «فن ترجمه» بخواید مورد داوری قرار گیرد باید توسط متخصصان امور این کار انجام شود.

و) اما در پرداختن به داوری «قطعات ادبی و دست‌نوشته‌ها» ناچار از آوردن کل بیانیه هستیم:
«بیانیه پایانی و آراء هیئت داوری [هیئت یک‌نفره!] قطعات ادبی و دست‌نوشته‌ها:

این گروه [!] که در آخرین روزهای [!] روند اجرایی جشنواره شکل عملی و اجرایی گرفت در آغاز مواجه با سیزده عنوان کتاب بود که شاخصه عمده آن‌ها تنوع موضوعی بود [!] [در رشته [!] این کتب طی سه مرحله داوری شد. [تفکیک موضوعی کتاب‌ها جزو مراحل داوری به حساب آمده است]

مرحله نخست: ریزش بود [!] که پنج کتاب به علت ارتباط با دیگر رشته‌ها و انطباق با ملاک‌های داوری آن‌ها مجدداً داوری شد [!] (مشترک با داوران گروه‌های دیگر) [نگارنده در فهرست کتاب‌های داوری شده فقط ۴ عنوان کتاب با تفکیک نثر ادبی و قطعه ادبی پیدا کرد که دوتای آن‌ها نزدیک به «نثر ادبی»، دیگری در قالب «نامه» و چهارمی «یادنامه شهدای زن استان خوزستان» است.]

مرحله دوم: گزینش بود [!] که با معیارهای تخصصی [!] و ادبی هر کتاب با در نظر گرفتن متن و موضوع بررسی شد که در این مرحله دو کتاب «گنجینه آسمانی» و «میهمانی احساس» به مرحله سوم راه یافتند.

مرحله سوم: در این مرحله و با در نظر گرفتن موضوع و محتوا و قوت نگارش [عنوان توضیحی کتاب «گفتار متن فیلم‌های روایت فتح» است!] همچنین نوآوری (در زمان خود) در سبک و الگو قرار گرفتن روش تحقیق [!، استناد و نگارش] توجه کنید که یک نثر ادبی چگونه توصیف می‌شود! کتاب «گنجینه آسمانی» نوشته شهید بزرگوار سیدمرتضی آوینی، چاپ نشر ساقی حائز کسب رتبه نخست این گروه تشخیص داده شد. [در حالی که چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۷۵ منتشر شده و انتخاب آن با اهداف این جشنواره منافات دارد]

در ضمن کتاب میهمانی احساس (منتخب کلمه‌ها و واگوبه‌های فرزندان شاهد کردستان) از نشر شاهد به دلیل موضوع تازه و داشتن پاره‌ای دست‌نوشته‌های اثرگذار و احساس برانگیز و کوشش مؤلف در جمع‌آوری و تدوین آثار فرزندان شاهد شایسته تقدیر تشخیص داده شد. [این کتاب نامه‌های فرزندان شهدا به پدرانشان است، که بررسی قالب «نامه» خود از مقوله‌ای دیگر است.]

نگارنده احتیاجی نمی‌بیند که توضیحات دیگری به این بیانیه بیافزاید و خود متن آن راه، از لحاظ نگارش و محتوا، بسیار گویا می‌داند.

ز) با نگاهی به بیانیه پایانی هیئت داوری هنر، اولاً ناچار از تکرار این نکته هستیم که بررسی و داوری «ادبیات نمایشی» مثل نمایشنامه و مسامحتاً فیلمنامه، در گروه ادبیات باید باشد نه هنر. با این توصیف در بند یک بیانیه درج عبارت «بررسی قلم هنرمندان عرصه ادبیات» و «ضروریات و نیازهای اساسی ادبیات امروز» در گروه هنر مایه تعجب است. همچنین عبارت «تئاتر در جامعه امروز ... یکی از راه‌کارهای اساسی برای ثبت و انتقال ادبیات هشت سال دفاع مقدس به‌شمار می‌رود» نیز قابل تأمل! اما نکته جالب‌تر این‌که در بیانیه هیئت داوران و ۳ بند تذکری آن، نامی و سخنی از شاخه‌های هنری مثل عکاسی، نقاشی، گرافیک، مجسمه‌سازی، خوشنویسی، موسیقی و ... حضور آن‌ها در آثار مکتوب نیست بلکه از «ادبیات نمایشی» که هنر نیست نام برده شده و از تئاتر و سینما ذکر خیر شده، به‌گونه‌ای که تداعی‌کننده جشنواره سینما و تئاتر باشد نه کتاب!

همچنین انتخاب اولین کتاب جالب توجه است. در این بیانیه آمده است: «کتاب تماشای ناورد، کار آقای اکبرزاده، به عنوان نخستین اثر از مجموعه پژوهش‌های پیرامون تئاتر دفاع مقدس به دلیل برداشتن گامی محکم، علمی و اصولی برای بررسی تئاتر مقاومت و ایجاد و عرصه اندیشه‌ها و تفکرات تازه پیرامون تئاتر دفاع مقدس حائز رتبه اول اعلام می‌گردد.»

نگارنده با توجه به آشنایی خود با مولف این کتاب (گردآورنده مقالات)، در پس زمینه این عبارت فوق، پوزخند وی را می‌بیند و به تأسف می‌اندیشد که آیا داوران این گروه، این کتاب را دیده‌اند و خوانده‌اند و می‌دانند که این کتاب اصلاً به «دفاع مقدس»، که حوزه کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای دارد، ارتباطی ندارد؟

اگر بناست ادبیات و هنر مقاومت، به مفهوم عام در این جشنواره بررسی شود، در این صورت اولاً جمع‌آوری منابع شکل دیگری به خود خواهد گرفت، ثانیاً چون از جنسی دیگر است داوری آن در گروهی مجزا و مستقل

انجام خواهد شد. و نیز چنانچه هیئت داوران موضوعات غیرمرتبط با داوری خود را بررسی می‌کنند و اثری را به جهت تأثیرگذاری در حیطه دفاع مقدس برمی‌گزینند فقط می‌توانند آن را تقدیر کنند. اصلاً وجود تقدیر در جشنواره‌ها به همین معناست که در جشنواره کنونی مفهوم آن نیز دیگرگون شده است که در جای خود بدان پرداخته خواهد شد.

همچنین در این گروه طرح جلد کتاب «پایه‌پای باران» که چاپ دوم بوده و چاپ اول آن در سال ۱۳۶۹ انجام گرفته است تقدیر شده است، که قبلاً در این باره نکاتی یادآوری شد.

ح) و بالاخره با نگاهی به بیانیه هیئت داوری گروه «کودک و نوجوان» ذکر این نکته ضروری است که اگر آثار کودک و نوجوان قرار است به صورت جداگانه بررسی و داوری شود بایستی تمامی اشکال و قوالب موجود در این گروه سنی احصا گردد. که هنر یکی از آنهاست و تصویرگری کتاب کودک اصلی‌ترین شاخه هنر، که این داوری اصلاً اشاره‌ای بدان نکرده است.

پدیدآورندگان آثار

یکی از نکات مشهود این جشنواره و در میان آثاری که صبغه «به‌کوشش»، «تدوین»، «گردآوری»، «ترجمه» و امثالهم داشته‌اند، اطلاق نویسنده و یا پدیدآورنده به برخی و در نظرنگرفتن نقش صاحبان اصلی اثر در اهدای جوایز و کسب مقام است. این قضیه در خاطرات نمود مشخص‌تری دارد.

جریان چاپ کتاب خاطره، مسیرهای معین و انگشت‌شماری دارد که برای روشن شدن مسئله مهمترین آن ذکر می‌شود:

۱- فراهم‌آورنده خاطره، خود تا حدودی از موضوع و صاحب‌خاطره مطلع است و پیرامون موضوع و سرگذشت صاحب‌خاطره و صنف وی مطالعه‌ای جامع انجام داده و وقایع و حوادث و مکان‌هایی را که صاحب‌خاطره در آن حضور داشته شناسا کرده و نزد خود سئوالاتی اندوخته و با ذهن روشن از پیرامون صاحب‌خاطره، سراغ وی می‌رود و با سؤال و جواب هدفدار خاطرات وی را اخذ می‌کند که حاصل آن نقش مهمی در «تاریخ شفاهی» وقایع مختلف خواهد داشت. در این حالت، اشخاص صاحب‌خاطره معمولاً از نامداران و مؤثران وقایع هستند و در جنگ می‌توانند امرای ارتش و سپاه باشند. در این‌جا کوشنده خاطره (به‌کوشش) مولف اصلی آن است. با اطلاعی که نگارنده دارد هنوز چنین خاطراتی در دفاع مقدس شکل نگرفته است و هنوز اشخاص خبره‌ای برای اخذ چنین خاطراتی تربیت نشده‌اند.

۲- در حالتی دیگر مصاحبه‌گر، بدون شناخت راوی با ضبط صوت خود سراغ کسی می‌رود و خاطرات وی را ضبط می‌کند و نوارهایی را پر می‌کند و کسی آن‌ها را روی کاغذ پیاده کرده و وی تدوین، و چنانچه تبصر داشته باشد ویرایش نیز می‌کند. در این حالت، چنانچه در امر مصاحبه کسی جای دیگری را بگیرد همان اثر تولید خواهد شد. بخش عمده خاطرات اخذ شده از طریق مصاحبه، و چاپ‌شده توسط دفاتر کارشناسی مختلف دفاع مقدس، این‌گونه هستند. در این‌چنین خاطرات شفاهی، ادعای برخی پدیدآورندگان آن است که حتی لحن راوی نیز بایستی در متن انتقال یابد و کمترین دخل و تصرف‌ها صورت پذیرد. پس بنابراین در این آثار راوی و دارنده واقعی خاطره، صاحب اثر است. که در این جشنواره‌ها برای این صاحبان اثر تره هم خرد نمی‌شود حتی در فهرست‌های ساده کتابشناختی هم جایی ندارند.

۳- در حالت سوم، شخص خاطرات خود را می‌نویسد و دیگری آن را بازنویسی می‌کند. بازنویسی در هر شکل و با هر ملاحظاتی که باشد از دخل و تصرف در عبارات تا حذف و تدوین اساسی و مجدد کتاب و بازپروری ادبی آن، مؤلف اصلی کتاب صاحب‌خاطره است و کتاب هستی و هویت خود را از صاحب‌خاطره گرفته است. تعداد زیادی از خاطرات مکتوب و چاپ شده دفاع مقدس از این سنخ است که باز هم صاحبان اثر ناکامان اصلی جشنواره‌اند.

۴- در حالت دیگر شخص صاحب‌خاطره، خود نویسنده است و صاحب قلم. که تعداد خیلی از آثار دفاع مقدس به این حیطه مربوط می‌شود.

بنابراین با توجه به موارد فوق و نظایر آن در قوالب دیگر، در این جشنواره حق پدیدآورندگان اصلی آثاری همچون «منوچهر مدق به روایت همسر شهید (اینک شوکران ۱)»، «خرمشهر پایتخت جنگ»، «نگاه شیشه‌ای» و «خبرنگار جنگی» نادیده گرفته شده است.

به اعتقاد نگارنده، فعالیت دست‌اندرکاران تولید کتاب، همچون مصاحبه‌کنندگان، تدوین‌گران، ویراستاران، بازنویسان و امثالهم، از آنجا که از لحاظ فنی بیشتر در حوزه نشر قرار دارد، باید در جایگاهی غیر از نویسندگان (و شاعران) و مؤلفان و در راستای فعالیتهای ناشران بررسی و چنانچه لازم است تقدیر شود (البته نیازی به یادآوری نیست که دایره تألیف، شامل گردآوری، شرح، تصحیح و تفسیر و نظایر آنها نیز می‌شود که به جهت موضوعیت نداشتن بسیاری از آنها در حوزه دفاع مقدس، به آنها پرداخته نشده است).

رتبه‌بندی آثار و تقدیرها

با نگاهی گذرا به بیانیه‌های هیئت داوران جشنواره، شاهد عدم انسجام لفظی و محتوایی و عبارات و تعبیرات دور از یکدیگر و نابسامانی‌های فراوانی هستیم که یکی از آنها در رتبه‌بندی‌ها و تقدیرهاست. عباراتی همچون «حائز رتبه نخست»، «مورد تقدیر ویژه»، «شایسته تقدیر»، «به عنوان بهترین کتاب دفاع مقدس»، «شایسته تشویق [!]

 و «کتاب برگزیده» که در مواردی ابهامات بسیاری را موجب می‌شود. بطور مثال در بیانیه هیئت داوران گروه «داستان»، آثار برگزیده بدون ذکر رتبه با عنوان «بهترین کتاب دفاع مقدس» آمده، که این سؤال را باقی می‌گذارد: چرا جشنواره این عبارت را به رتبه اول تعبیر کرده است؟ بیانیه یک جشنواره بایستی صریح، واضح، گویا و بدون ابهام باشد و در راستای اطلاع‌رسانی علمی نگارش شده باشد.

همانطور که پیش‌تر گفته شد یکی از دلایل تقدیر شدن یک اثر در جشنواره‌ای آن است که بررسی و انتخاب آن اثر، بنا به دلایلی در حیطه کار هیچ‌یک از گروه‌های داوران نمی‌گنجد و به‌عنوان مکمل جشنواره از آن اثر تقدیر می‌شود. در حالت دیگر از اثری که حائز رتبه نشده است اما به جهت طرح مسائلی برای نخستین بار یا هر ویژگی خاص دیگری، به تشخیص هیئت داوران تقدیر و در اعلام نتایج این ویژگیها ذکر می‌شود. بنابراین دیگر «تقدیر ویژه» و «شایسته تشویق» معنی ندارد.

در این جشنواره کتابهای برگزیده اکثراً حائز رتبه اول و تقدیر هستند و رتبه‌های دوم و سوم بی‌اثر! از آنجا که اکثر آثار تقدیری، به جهت محتوا در گروه‌های داوران جای دارند و دارای ویژگیهای خاص اعلام شده‌ای نیز نیستند بایست رتبه‌بندی می‌شدند و چنانچه رتبه‌ای کسب نکرده‌اند دیگر انتخابشان چه‌معنی می‌تواند داشته باشد. کتاب‌های «شجاعان نبرد» و «خبرنگار جنگی» در گروه خاطره از این جمله‌اند که مشخص نیست به چه جهت تقدیر شده‌اند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که چنانچه آثار تقدیرشده و حائز رتبه را در کنار هم قرار دهیم متوجه خواهیم شد که ارزش علمی و محتوایی آثار برتر، علی‌الخصوص آنهایی که رتبه‌های اول را کسب کرده‌اند، به تناسب موضوعات داوری، در یک حد و اندازه نیست و در بسیاری از موارد، اختلاف فاحشی با هم دارند که نشانگر اختلاف سطح داوری و اعمال سلیقه‌های گوناگون داوران در گروه‌های مختلف است و به یکدستی آثار برتر لطمه زده است.

همچنین در نحوه اعلام نتایج و مقام‌های به‌دست آمده و رتبه‌ها، ذکر نشدن زیر گروه‌ها، و اکتفا کردن به ذکر گروه‌های اصلی این اشتباه را به ذهن تداعی می‌کند که مثلاً در گروه «پژوهش»، سه اثر مقام اول را کسب کرده است، در حالی که اصالت با زیرگروه‌هاست و هر زیرگروه رتبه‌بندی جداگانه‌ای دارد. برای مثال چنانچه بخش «پژوهش» سه زیرگروه دارد، در اعلام و درج نتایج، باید این زیرگروه‌ها ذکر شوند نه گروه اصلی. (مثلاً در بخش «تاریخ نظامی»، فلان کتاب حائز رتبه اول شده است.) با تمام این تفصیلات، چنانکه ذکر شد، نگارنده قائل به رتبه‌بندی آثار در چنین جشنواره‌هایی نیست و راه‌های مؤثرتری برای معرفی و تقدیر آثار برتر سراغ دارد.

سخن آخر

آنچه نوشته شد نگاهی شتابزده و گذرا به عملکرد «هشتمین جشنواره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس» است و بررسی دقیق‌تر آن مستلزم صرف اوقات خوش‌تر! نگارنده از این همه کاستی‌ها و اعوجاج‌ها در حوزه کاری خود و درمیان عملکرد دوستان نگران و ناخرسند است.

کسب رتبه و مقام برای هر اثر شأن و منزلتی خاص ایجاد می‌کند که معمولاً در هدایت و سوق خواننده به انتخاب آن اثر موثر است. این تأثیرپذیری ناشی از آن است که خوانندگان، نظر صاحب‌نظران، متخصصان و اهل فن را بر نظر خود ترجیح می‌دهند و برای ملاک‌ها و معیارهای گزینش آن‌ها اهمیت قائل هستند.

عملکرد چنین جشنواره‌هایی نه تنها این قواعد منطقی را برهم می‌زند که شأنیت فعالیت‌های نظایر آن را نیز به خطر می‌اندازد. چنانچه این جشنواره نتواند ناکارآمدی خود را جبران کند و عملکرد گذشته خود را تصحیح کند این ذهنیت را تقویت می‌کند که این‌گونه جشنواره‌ها صرفاً محلی برای تقدیر و تشکرهای فرمایشی و سوگیرانه و به‌دور از ملاک‌های نقد و سنجش علمی است.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) کتاب هفته، شماره ۱۲۲، شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۲.

(۲) کتاب هفته، شماره ۱۱۲، شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۸۱.